



دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد
در رشته‌ی روانشناسی تربیتی

واسطه‌گری تاب آوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و
بهزیستی روانی در دانش‌آموزان دبیرستانی

به کوشش
مقداد غفاری زاده

استاد راهنما:
دکتر محبوبه فولادچنگ

بهمن ۱۳۹۲

رسالة محمد

به نام خدا

اظہارنامہ

اینجانب مقداد غفاری زاده دانشجوی رشته روان شناسی تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شیراز اظہار می کنم کہ این پایان نامہ حاصل تلاش خودم بودہ و در جاهایی کہ از منابع دیگران استفادہ کردہ ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشتہ ام. همچنین اظہار می کنم کہ تحقیق و موضوع پایان نامہ ام تکراری نیست و تعہد می نمایم کہ بدون مجوز دانشگاه، دستاوردهای آن را منتشر ننمودہ و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیہ حقوق این اثر مطابق با آیین نامہی مالکیت فکری و معنوی متعلق بہ دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: مقداد غفاری زاده

تاریخ و امضا:



به نام خدا

واسطه‌گری تاب آوری در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و بهزیستی
روانی در دانش‌آموزان دبیرستانی

به کوشش

مقداد غفاری‌زاده

پایان‌نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی لازم
برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

روانشناسی تربیتی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی کمیته‌ی پایان‌نامه، با درجه‌ی: عالی

دکتر محبوبه فولادچنگ، استادیار بخش روان‌شناسی تربیتی (استاد راهنما).....

دکتر راضیه شیخ‌الاسلامی، دانشیار بخش روان‌شناسی تربیتی (استاد مشاور).....

دکتر فریده یوسفی، دانشیار بخش روان‌شناسی تربیتی (داور متخصص داخلی).....

بهمن ۱۳۹۲

تقدیم به

پدر و مادر مهربانم

سرم را نه ظلم می تواند خم کند، نه مرگ، نه ترس
سرم فقط برای بوسیدن دستهای شما خم می شود...

و نیز به یاورانم ...

... برادرانم

و به همسر عزیزم ...

سپاسگزاری

سپاس و ستایش خداوندی که حرف و قلم را آفرید و رسالت پیامبران پاکش را بسط معرفت و دانایی قرار داد. سپاس و ستایش او را که برخوردار از رحمت واسعه و نعمت بی‌حسابش موفق شدم مرحله‌ای دیگر از مراحل زندگی را سپری کنم. سپاس و ستایش او را که در طول حیات از امنیت و سلامت برخوردارم کرد و از خانواده‌ای خوب ، دوستانی خوب ، معلمینی خوب و اساتیدی خوب بهره‌مندم ساخت؛ به ویژه اساتید بسیار گرانقدرم **خانم دکتر محبوبه فولادچنگ، خانم دکتر راضیه شیخ‌الاسلامی، خانم دکتر فریده یوسفی و خانم دکتر فریبا خوشبخت** که هم در طول تحصیل و هم در طول انجام این پژوهش از راهنمایی، مشاوره و هدایت و نظارت ارزشمندشان برخوردار بودم و در تمام این مدت بی‌هیچ مبالغه و اغراقی، با صبوری و حوصله زیاد یاریم کردند و روشنگر راهم بودند. امیدوارم که توفیق یابم در لحظه لحظه‌ی حیات سپاسگزار و قدردان خوبی‌ها و محبت‌های‌شان باشم.

چکیده

واسطه‌گری تاب‌آوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روانی در دانش‌آموزان دبیرستانی

به کوشش

مقداد غفاری زاده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌گری تاب‌آوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روانی در دانش‌آموزان دوره متوسطه صورت گرفت. شرکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۳۵۵ نفر (۱۷۹ پسر و ۱۷۶ دختر) از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز بودند که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش هر یک از شرکت‌کنندگان، پرسش‌نامه‌های سبک‌های دلبستگی (هازان و شیور، ۱۹۸۷)، تاب‌آوری (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) و بهزیستی روانی (ریف و کیز، ۱۹۹۵) را تکمیل نمودند. پایایی ابزارهای پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و روایی آنها از طریق همسانی درونی بررسی گردید. نتایج به دست آمده حاکی از پایایی و روایی قابل قبول آزمون‌ها بود. با استفاده از رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان و با استفاده از مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶)، مدل مفهومی پژوهش مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد تاب‌آوری در رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و بهزیستی روانی نقش متغیر میانجی کامل و در رابطه بین دلبستگی ناایمن دوسوگرا و بهزیستی روانی، نقش متغیر میانجی نسبی را ایفا نموده است. یافته دیگر پژوهش این بود که سبک دلبستگی اجتنابی پیش بین معنادار تاب‌آوری نبود و تاب‌آوری در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و بهزیستی روانی دارای نقش میانجی‌گری نیست. در پایان، به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای پژوهش از آزمون آماری t برای گروه‌های مستقل استفاده گردید و مشخص گردید که در سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری بین میانگین نمرات دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد اما در بهزیستی روانی میانگین نمرات پسران به نحو معناداری بالاتر از میانگین نمرات دختران بود.

کلید واژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، تاب‌آوری، بهزیستی روانی، دانش‌آموزان دبیرستانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: مقدمه	
۲	۱-۱- کلیات
۶	۲-۱- بیان مسئله
۷	۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق
۹	۴-۱- اهداف پژوهش
۹	۱-۴-۱- اهداف اصلی
۹	۲-۴-۱- اهداف فرعی
۹	۵-۱- سوالات پژوهش
۹	۱-۵-۱- سوالات اصلی
۱۰	۲-۵-۱- سوال فرعی
۱۰	۶-۱- تعریف مفهومی متغیرها
۱۰	۱-۶-۱- دل بستگی
۱۰	۲-۶-۱- تاب آوری
۱۱	۳-۶-۱- بهزیستی روانی
فصل دوم: مبانی نظری و تحقیقات پیشین	
۱۳	۱-۲- مبانی نظری
۱۳	۱-۱-۱- مبانی نظری دل بستگی
۱۴	۲-۱-۱-۱- نظریه‌های تاثیرگذار بر نظریه دل بستگی
۱۵	۲-۱-۱-۲- نظریه دل بستگی بالبی
۱۸	۳-۱-۱-۲- طبقه بندی اینثورت
۱۹	۴-۱-۱-۲- طبقه بندی بار تلمو
۲۰	۵-۱-۱-۲- طبقه بندی هازان و شیور
۲۱	۲-۱-۲- مبانی نظری تاب آوری
۲۵	۱-۲-۱-۲- عوامل محافظتی تاب آوری
۲۷	۲-۲-۱-۲- مدل های تاب آوری

۳۰	۲-۱-۳- مبانی نظری بهزیستی روانی.....
۳۳	۲-۱-۳-۱- انواع بهزیستی.....
۳۶	۲-۱-۳-۲- مدل بهزیستی روانی ریف.....
۳۸	۲-۲- تحقیقات پیشین.....
۳۸	۲-۲-۱- تحقیقات مربوط به رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روانی.....
۴۰	۲-۲-۲- تحقیقات مربوط به رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری.....
۴۱	۲-۲-۳- تحقیقات مربوط به رابطه‌ی تاب‌آوری و بهزیستی روانی.....
۴۳	۲-۲-۴- تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای پژوهش.....
۴۵	۲-۳- بیان فرضیه‌های تحقیق.....

فصل سوم : روش پژوهش

۴۷	۳-۱- طرح پژوهش، بیان متغیرها.....
۴۷	۳-۲- جامعه آماری، مشارکت‌کنندگان و روش نمونه‌گیری.....
۴۸	۳-۳- تعریف عملیاتی متغیرها.....
۴۸	۳-۳-۱- سبک‌های دلبستگی.....
۴۸	۳-۳-۲- تاب‌آوری.....
۴۸	۳-۳-۳- بهزیستی روانی.....
۴۸	۳-۴- ابزارهای پژوهش.....
۴۹	۳-۴-۱- پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال.....
۵۰	۳-۴-۲- پرسشنامه سنجش تاب‌آوری.....
۵۱	۳-۴-۳- مقیاس بهزیستی روانی.....
۵۲	۳-۵- شیوه‌ی اجرا.....
۵۲	۳-۶- شیوه‌ی تجزیه و تحلیل اطلاعات.....

فصل چهارم : یافته‌های پژوهش

۵۴	۴-۱- یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش.....
۵۵	۴-۲- ماتریس همبستگی متغیرهای مورد پژوهش.....
۵۵	۴-۳- یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها و سوالات پژوهش.....
۵۶	۴-۳-۱- پیش‌بینی بهزیستی روانی براساس سبک‌های دلبستگی.....
۵۷	۴-۳-۲- پیش‌بینی تاب‌آوری بر اساس سبک‌های دلبستگی.....

- ۴-۳-۳- پیش‌بینی بهزیستی روانی بر اساس تاب‌آوری با کنترل سبک‌های دلبستگی ۵۸
- ۴-۳-۴- نقش میانجی‌گری تاب‌آوری در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روانی .. ۵۹
- ۴-۳-۵- تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای پژوهش ۶۰

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- ۵-۱- بحث و بررسی یافته‌های پژوهش ۶۳
- ۵-۱-۱- پیش‌بینی بهزیستی روانی بر اساس سبک‌های دلبستگی ۶۳
- ۵-۱-۲- پیش‌بینی تاب‌آوری بر اساس سبک‌های دلبستگی ۶۶
- ۵-۱-۳- پیش‌بینی بهزیستی روانی بر اساس تاب‌آوری ۶۹
- ۵-۱-۴- بررسی نقش میانجی‌گری تاب‌آوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روانی ۷۱
- ۵-۱-۵- تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای پژوهش ۷۳
- ۵-۲- کاربردهای نظری و عملی ۷۵
- ۵-۳- پیشنهادهای پژوهش ۷۶
- ۵-۴- محدودیت‌های پژوهش ۷۷

فهرست منابع

- منابع فارسی ۷۸
- منابع لاتین ۸۵

پیوست‌ها

- پیوست ۱: پرسشنامه سبک‌های دلبستگی ۹۶
- پیوست ۲: پرسشنامه سنجش تاب‌آوری ۹۷
- پیوست ۳: پرسشنامه بهزیستی روانی ۹۸

فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۳: ضرایب همبستگی گویه‌ها با ابعاد پرسشنامه سبک‌های دلبستگی	۵۰
جدول ۱-۴: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش	۵۴
جدول ۲-۴: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش	۵۵
جدول ۳-۴: یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها و سوالات پژوهش	۵۶
جدول ۴-۴: پیش‌بینی تاب‌آوری بر اساس سبک‌های دلبستگی	۵۷
جدول ۵-۴: پیش‌بینی بهزیستی روانی، بر اساس تاب‌آوری با کنترل سبک‌های دلبستگی	۵۸
جدول ۶-۴: مقایسه آزمودنی‌های دختر و پسر در متغیرهای پژوهش	۶۱

فهرست نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار ۱-۱ - مدل مفهومی پژوهش حاضر.....	۷
نمودار ۱-۴: پیش بینی بهزیستی روانی بر اساس سبکهای دلبستگی.....	۵۷
نمودار ۲-۴: پیش بینی تاب‌آوری بر اساس سبکهای دلبستگی.....	۵۸
نمودار ۳-۴: پیش‌بینی بهزیستی روانی بر اساس تاب‌آوری با کنترل سبک‌های دلبستگی.....	۵۹
نمودار ۴-۴: تاثیر سبک‌های دلبستگی بر بهزیستی روانی دانش‌آموزان با میانجی‌گری تاب‌آوری.....	۶۰

فصل اول

مقدمه

۱-۱- کلیات

سلامت روان یک مفهوم چند بعدی است که علاوه بر بیمار و ناتوان نبودن، احساس شادکامی^۱ و بهزیستی^۲ را نیز در برمی‌گیرد (لاریسون^۳، ۱۹۹۱). این موضوع یکی از مورد توجه ترین مسایل روانشناسان از زمان شکل گیری روانشناسی به عنوان یک علم بوده است. در رویکرد سنتی حاکم بر این حوزه که پیشینه نظری و پژوهشی پرسابقه ای دارد، تاکید اغلب روانپزشکان، روانشناسان و محققان بهداشت روانی بر ابعاد منفی سلامت روانی و نادیده گرفتن جنبه‌های مثبت سلامت روان بوده است (ریف و سینگر^۴، ۱۹۹۶؛ سلیگمن^۵، ۲۰۰۳). به این معنی که سلامت روانی در قالب نبود بیماری، ضعف و ناکامی تعریف شده است (هاوزر، اسپرینگر و پادروسکا^۶، ۲۰۰۵).

از حدود دهه ۱۹۶۰ با تغییر تمرکز از بیماری‌یابی و درمان به پیشگیری و مطالعه‌ی "خوب بودن" و رشد کردن، دیدگاه متفاوتی به موضوع سلامت روانی شکل گرفت که بر اساس آن سلامت روانی داشتن ویژگی‌های مثبتی مانند روابط اجتماعی موفق، عزت نفس و احساس کارآمدی است و وظیفه‌ی یک روانشناس مطالعه این ویژگی‌ها و کمک به پیشرفت و توسعه آنها است (رایان^۷، ۲۰۰۱؛ سلیگمن، ۱۹۹۸). به دنبال جنبش روانشناسی مثبت‌گرا که بر وجود ویژگی‌های مثبت روانی و رشد توانایی‌های فردی تاکید داشته است، گروهی از روانشناسان به جای اصطلاح سلامت روانی از واژه بهزیستی روانشناختی^۸ استفاده کردند؛ چرا که معتقدند این

1 Happiness

2 Well-being

3 Lareson

4 Ryff & Singer

5 Seligman

6 Hauser, Springer & Pudrovska

7 Ryan

8 Psychological well-being

واژه، ابعاد مثبت بیشتری را به ذهن متبادر می‌کند (ریف و سینگر، ۱۹۹۸).

تاکنون تعاریف، مفهوم‌سازی و طبقه‌بندیهای متعددی در مورد بهزیستی روانشناختی ارائه شده است. از نظر کاورد و رید^۱ (۱۹۹۶) بهزیستی روانشناختی به عنوان حسی از احساس سلامتی که به یک آگاهی کامل از تمامیت شخصی و عناصر معنوی زندگی منجر می‌شود تعریف شده است. میلز^۲ (۲۰۱۰) نیز بهزیستی روانشناختی را یک حالت تعادل بین عواطف مثبت و منفی می‌داند. در یک تعریف نسبتاً ساده و روان می‌توان گفت، بهزیستی روان شناختی وجود و حضور شرایط خوب و رضایت بخش همراه با حضور سلامت، شادمانی و کامیابی است.

یکی از نظریه پردازان مطرح در حوزه مفهوم سازی چند بعدی بهزیستی روانشناختی، کارل ریف (۱۹۸۹) است که بهزیستی روانشناختی را تلاش برای کمال در جهت تحقق توانایی‌های بالقوه واقعی فرد می‌داند. در این دیدگاه، بهزیستی به معنای تلاش برای استغنا و ارتقا است که در تحقق استعدادها و توانایی‌های فرد متجلی می‌گردد (ریف، ۱۹۹۵). ریف بر اساس بررسی‌هایی که به عمل آورد، الگویی شش مؤلفه‌ای از بهزیستی روان شناختی ارائه کرد. این شش مؤلفه شامل پذیرش خود^۳، خود پیروی^۴، تسلط بر محیط^۵، روابط مثبت با دیگران^۶، هدف و جهت گیری^۷ در زندگی و رشد شخصی^۸ است.

بهزیستی روانشناختی به عنوان یکی از متغیرهای روانشناختی مانند دیگر متغیرها تحت تاثیر عوامل فردی و اجتماعی گوناگونی قرار دارد. یکی از این متغیرهای تاثیرگذار بر بهزیستی روانی افراد سبک دلبستگی^۹ است که در افراد شکل گرفته و به عنوان یک سازه‌ی مرتبط با خانواده پیش‌بینی کننده‌ی آن است (مک اولای^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ لیو^{۱۱}، ۲۰۰۸؛ لوپز و گورملی^{۱۲}، ۲۰۰۲). دلبستگی به عنوان یک تعیین کننده مهم سلامت روانی و به طور دقیق بهزیستی

1 Coward & Reed

2 Mills

3 Self-acceptance

4 Autonomy

5 Environmental mastery

6 Positive relation with other

7 Purposein life

8 Personal growth

9 Attachment style

10 MacAulay

11 Liu

12 Lopez & Gormley

روانشناختی شناسایی شده است (بالبی^۱، ۱۹۸۳؛ میکولینسر و شیور^۲، ۲۰۰۷).

دل بستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می‌کنیم طوری که باعث می‌شود وقتی با آن‌ها تعامل می‌کنیم احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آن‌ها را در کنار خود داریم احساس آرامش کنیم (مظفری، سهرابی شگفتی و سامانی، ۱۳۹۰). بالبی (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰) فرایند شکل‌گیری دل بستگی نوزاد به مادر را تشریح کرد و بر این نکته تاکید داشت که ارتباط اولیه کودک و مراقب (معمولا والدین) سبک دل بستگی فرد را شکل می‌دهد. به عقیده بالبی (۱۹۶۹) رابطه نوباوه با والد به صورت یک رشته علائم فطری آغاز می‌شود که والد را به طرف نوباوه می‌کشاند. به مرور زمان پیوند عاطفی صمیمی ایجاد می‌شود که توانایی‌های جدید شناختی و هیجانی به علاوه تاریخ مراقبت صمیمانه و پذیرا از آن حمایت می‌کند (رولز و سیمپسون^۳، ۲۰۰۴).

جان بالبی و اینثورث^۴ نکات برجسته ای را از روان‌تحلیل‌گری، کردارشناسی^۵، روانشناسی رشد و روانشناسی شناختی در مورد پیوستگی هیجانی و نظم بخشی هیجانی ترکیب کرده و در سازماندهی نظریه دل بستگی به کار گرفتند. آن‌ها همانند دیگر نظریه پردازان روان‌تحلیلی معتقد بودند که تبیین رفتارهای بزرگسالی ریشه در دوران کودکی دارد، با این تفاوت که به نظر آن‌ها انگیزش انسان توسط سیستم‌های رفتاری ذاتی به جای سایق‌های زیستی مثل میل جنسی و گرسنگی راهنمایی می‌شود که سازش یافتگی و بقا را در فرآیند انتخاب طبیعی تسهیل می‌کند (برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۷).

از دیگر روانشناسان برجسته در نظریه دل بستگی می‌توان به افرادی چون هازان و شیور^۶ (۱۹۸۷) و بارتلمو^۷ (۱۹۹۱) اشاره کرد (بشارت، شریفی و ایروانی، ۱۳۸۰).

هازان و شیور (۱۹۸۷) نیز بر اساس نظریه دل بستگی بالبی، انواع سبک‌های دل بستگی را مطرح کرده‌اند که این طبقه‌بندی از سبک‌های دل بستگی، مناسب بزرگسالان است و شامل سه

1 Bowlby

2 Mikulincer & Shaver

3 Rholes & Simpson

4 Ainsworth

5 Ethology

6 Hazan & Shaver

7 Bartelemove

سبک ایمن^۱، نایمن دوسو گرا^۲ و نایمن اجتنابی^۳ می شود (هازان و شیور، ۱۹۸۷). افراد دلبسته ایمن به راحتی می توانند با دیگران رابطه برقرار کنند و در جهت دریافت حمایت دیگران، از خود تمایل نشان دهند. افراد دلبسته ایمن تصور مثبتی از خود داشته و از دیگران نیز توقعات و انتظارات معقول و مثبتی دارند. افراد دلبسته مضطرب - دوسو گرا تمایل زیادی به برقراری ارتباط صمیمانه با دیگران دارند، اما در عین حال نگران این هستند که مورد پذیرش قرار نگیرند (سیگلمن و شافر^۴، ۱۹۹۵). آنان در صورتی احساس خوبی نسبت به خود دارند که دیگران آنان را بپذیرند. این افراد تصور منفی از خود و تصور مثبت از دیگران دارند. افراد دلبسته اجتنابی اتکا به خویشان را مهم می دانند و زمانی که احتمال طرد شدن از سوی دیگران می رود می کوشند نیاز به دلبستگی را انکار کنند تا تصویر مثبت خود را حفظ کنند. اشخاص دارای سبک دلبستگی اجتنابی، تصویر منفی از دیگران دارند (هازان و شیور، ۱۹۸۷).

در حوزه ی متغیرهای فردی موثر بر بهزیستی روانشناختی می توان به تاب آوری^۵ اشاره نمود. تاب آوری از جمله سازه های مطرح در رویکرد روانشناسی مثبت نگر است. منظور از تاب آوری فرایند و یا قابلیت سازگاری موفق با چالش ها و یا شرایط تهدیدکننده است. این ظرفیت انسانی عاملی است که به افراد در مواجهه و سازگاری با شرایط سخت و استرس زای زندگی کمک می کند و آنها را در برابر اختلالات روانی و مشکلات زندگی محافظت می کند (قاسم پور و رفاقت، ۱۳۹۰). در واقع، تاب آوری بیانگر ظرفیت افراد برای سالم ماندن و مقاومت و تحمل در شرایط سخت و پرخطر است که فرد نه تنها برآن شرایط دشوار فائق می آید، بلکه طی آن و با وجود آن قوی تر نیز می گردد (اوشیو، کانکو، ناگامین و ناکایا^۶، ۲۰۰۳).

همان طور که اشاره شد نوع دلبستگی می تواند در تامین سلامت روان و بهزیستی روانشناختی افراد تاثیر داشته باشد اما این سوال مطرح است که دلبستگی تاثیر خود را چگونه بر بهزیستی روانشناختی اعمال می کند؟ در این میان با توجه به ادبیات تحقیق در این زمینه به نظر می رسد که دلبستگی به عنوان یکی از عوامل حفاظتی که موجبات سازگاری بیشتر را

1 Secure

2 Anxious ambivalent

3 Avoidant

4 Sigelman & Shaffer

5 Resiliency

6 Oshio, Kaneko, Nagamine & Nakaya

فراهم مینماید (بالبی، ۱۹۸۳) در میزان تاب‌آوری افراد موثر باشد و از این طریق نقش خود را اعمال می‌کند. بنابراین می‌توان این فرض را مطرح نمود که تاب‌آوری نقش واسطه‌ای در رابطه بین ابعاد دلبستگی و بهزیستی روانشناختی ایفا می‌کند.

۱-۲- بیان مسئله

همه جوامع خواستار شادی، سلامت و بهزیستی افراد جامعه خود هستند. بنابراین، برای رسیدن به این خواسته، باید تا آنجا که ممکن است، عوامل موثر بر سلامت و بهزیستی را شناخت، چرا که هر چه افراد جامعه از نظر جسمی و روانی سالم‌تر باشند، به همان میزان احساس شادی و خوشبختی بیشتری می‌نمایند و با انرژی بیشتری می‌توانند برای پیشرفت خود و جامعه گام بردارند. در این پژوهش بنا بر عمومیت و اهمیت بهزیستی روانی، سعی شده است عوامل موثر بر آن شناسایی گردد.

پژوهش‌ها حاکی از تاثیر متغیرهای بسیاری بر بهزیستی روانی بوده‌اند، که از این میان و با توجه به نقش بسزای خانواده و بویژه تعاملات موجود در آن، در تعیین و تکوین ویژگی‌های مختلف افراد، می‌توان به سبک‌های دلبستگی که به عنوان یک تعیین‌کننده مهم سلامت روانی و به طور دقیق، بهزیستی‌روانی شناسایی شده است و در بزرگسالی بر طیف وسیعی از الگوهای رفتاری تاثیر می‌گذارد (بالبی، ۱۹۸۳) اشاره کرد و نیز به تاب‌آوری که از پیامدهای آن می‌توان به افزایش سطح سلامت روان و رضایت از زندگی اشاره نمود (باسو، ۲۰۰۴).

عمده تحقیقات انجام شده نشان داده‌اند که هر یک از این سازه‌ها برگرفته از نظریه‌های متفاوت به عنوان عوامل تاثیرگذار مستقل در ارتباط با بهزیستی روانی، دارای حمایت‌های پژوهشی قابل ملاحظه‌ای هستند اما با وجود شواهد مستقل برای هر یک از این عوامل، به طور قابل ملاحظه‌ای فقدان پژوهشی که این عوامل را درون یک مدل یکپارچه سازی کند به چشم می‌خورد. به این معنا که تاکنون ارتباط این عوامل در قالب یک مدل به هم پیوسته در تبیین بهزیستی روانی مورد بررسی قرار نگرفته است.

همچنین به رغم انجام پژوهش‌های بسیاری در مورد تاثیر سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری بر بهزیستی روانی، تاکنون به بررسی متغیرهای میانجی‌گر در این رابطه پرداخته نشده است، بنابراین و با توجه به نتایج پژوهش‌های متعدد مبنی بر تاثیر دلبستگی به عنوان یکی از عوامل محافظتی که موجبات سازگاری بیشتر را فراهم می‌نماید، در میزان تاب‌آوری افراد (اکبری، وفایی و خسروی، ۱۳۸۹) در این پژوهش به این مسئله پرداخته خواهد شد که آیا تاب‌آوری می‌تواند نقش میانجی‌گری را در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و بهزیستی روانی دانش‌آموزان دبیرستانی ایفا کند؟ لذا پژوهش حاضر تلاش در جهت بررسی این رابطه و تحلیل یک مدل علی در تبیین بهزیستی روانی افراد است.

در این پژوهش، بهزیستی روانی به عنوان پیامد سبک دلبستگی و تاب‌آوری در نظر گرفته شد. تاب‌آوری، از یک سو نقش پیش‌آیندی برای بهزیستی روانی و از دیگر سو، نقش پیامدی برای سبک دلبستگی را بازی می‌کند. بنابراین، مسئله پژوهش حاضر، بررسی پیش‌آیندهای بهزیستی روانی در قالب یک تحلیل مسیر است. دلبستگی به عنوان متغیر برون‌زاد و تاب‌آوری به عنوان متغیر میانجی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بنا بر مطالب ذکر شده، مدل مفهومی پژوهش حاضر در نمودار ۱-۱ ارائه شده است.



نمودار ۱-۱- مدل مفهومی پژوهش حاضر

۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

توجه به استعدادها و توانمندی‌های انسان و شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال داشته باشند از اهداف روانشناسی مثبت‌گرا است. انسان در طول حیات خود، همواره با چالش‌ها، سختی‌ها، مصائب و مشکلات فراوانی مواجه می‌شود، از این رو

عواملی که سبب سازگاری هر چه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی می‌گردند، بنیادی‌ترین سازه‌های مورد پژوهش این رویکرد نوین در روانشناسی است.

مطابق رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، بحران بشر امروز، رفاه و آسایش نیست بلکه این سطح پائین آرامش و بهزیستی روانی است که سلامت زندگی او را با مخاطره و سختی مواجه ساخته است. بهزیستی، توسط انسان بدست نمی‌آید، بلکه توسط انسان و در تعامل او با محیط متغیر پیرامونش به عنوان یک فرایند مستمر و دائمی در حال ساخته شدن است. بشر خواهان بهزیستی، به غیر از آن‌که با تکیه بر داشته‌ها و سرمایه‌های وجودی خویش به آفرینش و خلق بهزیستی اقدام کند راهی دیگر برایش متصور نیست. بنابراین ضروری می‌نماید که عوامل پیش-بینی کننده این سازه به خوبی شناخته شوند تا از این طریق انسان صاحب اندیشه و انسان آگاه از رفتار خویش بتواند با آگاهی و شناخت، در مسیر بهزیستی قرار گیرد و آن را به عنوان موهبتی ارزشمند، در لحظه لحظه حیات خویش خلق نماید و از آن بهره مند شود.

بهزیستی روانشناختی در جنبه‌های مختلف زندگی افراد همچون پذیرش اجتماعی، داشتن روابط با افراد، صمیمیت، احساس کارآمدی، برخورداری از جایگاه‌های اجتماعی، به خصوص در دوران جوانی سهم بسزایی دارد، زیرا افراد پس از طی دوران نوجوانی و رسیدن به جوانی در پی ورود به اجتماع و ایجاد روابط و گسترش ارتباطات خویش‌اند. با توجه به جوان بودن جامعه ایران و نقش اساسی که نوجوانان در پیش‌برد و ایجاد نشاط و شادابی در جامعه و پیشرفت و پویایی آن دارند این پژوهش بر آن است تا نقش دو متغیر اساسی سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری را در میان نوجوانان جهت پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی آن‌ها مورد مطالعه قرار دهد. لذا به لحاظ کاربردی این امکان را فراهم می‌آورد تا برنامه‌ریزان و متولیان امور تعلیم و تربیت و خانواده‌ها بتوانند با فراهم ساختن بسترهای لازم، زمینه‌ی افزایش بهزیستی فرزندان جامعه را ایجاد نمایند و زندگی سالم‌تر و پویاتری را برای آن‌ها رقم زنند.

علاوه بر این، تحقیق حاضر با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای برای تاب‌آوری در رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی با بهزیستی روان‌شناختی، اقدام نموده است. بنابراین نتایج حاصله به غنای دانش موجود در این زمینه کمک می‌کند.